

تحقیق بیشتر، مستعدان جوانی است که توان دیدن تفاوتی که با هم پیش از این بوده است، اشعار این  
 وقت را با اشعار پیشین یکی ندانند. این تغییر در سلیقه و ذائقه، برای روشن تر شدن مطلب، اشعار این  
 زمانه را با اشعار پیشین یکی ندانند. این تغییر در سلیقه و ذائقه، برای روشن تر شدن مطلب، اشعار این  
 زمانه را با اشعار پیشین یکی ندانند. این تغییر در سلیقه و ذائقه، برای روشن تر شدن مطلب، اشعار این

محمود اکرامی  
 مرکز خراسان‌شناسی

# شش رزق

چکیده: در این مقاله شعر به عنوان یک وسیله ارتباطی مورد توجه قرار گرفته است که از طریق آن شاعر می‌تواند با مخاطب خود ارتباط برقرار کند، و مطالب سلیقه و غولسه او شعر بسازد.

در مقدمه مقاله مبحثی کوتاه پیرامون تعریف ارتباط، انواع آن و اهمیت مخاطب، همچنین چگونگی ارتباط و ارسال پیام یا توجه به نمادها آمده است. سپس اهمیت مخاطب در پیدایش انواع شعر و قالبهای شعری مورد بررسی قرار می‌گیرد و خواستها، نیازها، سطح آگاهی و میزان معلومات، طبقه اجتماعی، سن، جنس مخاطب و تأثیر آنها در ایجاد شعر، انواع آن منابع شعری و... توضیح داده می‌شود. همچنین قاصد ابن حسام با توجه به نوع مخاطب، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد و میزان اهمیت مخاطبان در شکل‌گیری قاصد او مشخص می‌شود. در همه این موارد کوشش می‌شود تا توسل به سروده‌های ابن حسام، اهمیت کار او در مناقب مناجاسه، مدح و مرثیه آشکار گردد.

## مخاطب‌شناسی<sup>۱</sup> در قاصد ابن حسام خوسفی

زبان شوق می‌خواهد بیانم «تو» تا آن‌جا که گویی من زبانم

این «تو» کیست، که شاعر فصاحت و گشاده‌زبانی خویش را به استماع او وابسته می‌داند؟ و او را به سخن‌آوری، شعرسرایي و شعرخوانی وامی‌دارد؟ این «تو» کیست که روی آشکار و نهان همه اشعار به سوی اوست؟ من او را مخاطب می‌نامم و در قاصد ابن

۱- یکی از ویژگیهای نقد و بررسی علمی در ادبیات این است که مشخص کند روی سخن با چه کسی یا کسانی و به چه علت است؟ چه توقعاتی از مخاطبان خود دارد؟ آنها از کدام طبقه اجتماعی هستند؟ وسعت دید و نظر، جهان‌بینی و نگرش، قدرت اقتصادی و طبقاتی آنها چه تأثیری در خلق اثر ادبی داشته است؟

حسام در پی یافتن آن، غور و بررسی کرده‌ام. اما انسان به عنوان موجودی که به قول فلاسفه «بالتبع اجتماعی است» و به قول علمای اجتماعی «میل به زندگی اجتماعی و میل به رفع نیاز او را به سمت دیگران سوق می‌دهد» ناگزیر از تعامل و کنش متقابل و ارتباط با دیگران است، و برای برقراری این ارتباط نیاز به وسایل و ابزار و نمادهایی دارد تا بتواند اندیشه‌ها، احساسات و مکنونات درونی خود را منتقل نماید.

در واقع سنگ بنای ایجاد و اشاعه تمدن و فرهنگ هر ملتی «ارتباط» می‌باشد. در گذشته‌های دور ارتباط بیشتر گفتاری و شنیداری بود و کسی در برقراری ارتباط و ارائه پیام موفق‌تر بود، که توانایی بیشتری در بهره‌گیری از حسهای متفاوت مخاطب یا مخاطبین خود داشت.

از آن‌جا سخن و کلام یکی از ابتدایی‌ترین ابزار انتقال پیام بوده و هست، لذا برای بهره‌دهی بیشتر و بهره‌گیری از حسهای متفاوت و مختلف مخاطب، به صنایع ادبی آراسته شده و موسیقی و خیال و تصویر و وزن و قافیه و... را به خدمت درآورد و شعر پدیدار گردید.

در فرآیند ارتباط، نقش مخاطب یا گیرنده پیام، در نحوه و چگونگی ارسال پیام تأثیر به‌سزایی داشته و دارد. به عبارت دیگر این، «باز خورده» ارتباط بوده است که فرستنده یا فرستندگان پیام را به ارسال یا عدم ارسال پیام واداشته است. در واقع قدرت فهم و درک مستمع و توجه و عدم توجه او به پیام، نحوه و شکل ارسال پیام را مشخص می‌کند و در این تعامل، قول سعدی صادق است که:

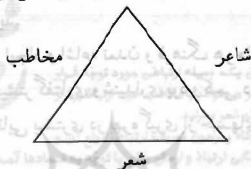
فهم سخن چون نکند مستمع قوت طبع از متکلم مجوی  
فصحت میدان ارادت بیار تا بزند مرد سخن گوی، گوی<sup>۱</sup>

به‌هر حال در ارتباط، بازخورد پیام، فرستنده پیام را متأثر خواهد کرد، و این بازخورد هر چه با تأخیر بیشتر به فرستنده باز گردد، اثر گذاری کمتر دارد. لذا در تعامل و

۱- مصلح‌الدین سعدی، گلستان، به کوشش دکتر خطیب رهبر، انتشارات صفی علی‌شاه، ص ۱۶۶.

ارتباط مستقیم و چهره به چهره، از جمله: جلسه شعرخوانی این تأثیر و تأثر بیشتر و سریع تر خواهد بود.

خلاصه این که اگر شعر را مهمترین و اثرگذارترین نوع گفتار یا نوشتار بدانیم از طریق آن، شاعر یعنی فرستنده پیام مکنونات و پیامهای خود را برای مخاطبان در قالب شعر، می‌سراید، می‌خواند و مثلث شاعر، مخاطب، شعر شکل می‌گیرد.



و از آن جا که نوع ارتباطی که شاعر یا مخاطب یا مخاطبان خود برقرار می‌کند بیشتر ارتباط عاطفی می‌باشد، تخیل و احساسات مخاطبان را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد.

#### تأثیر مخاطب بر قالبها و صنایع ادبی

قطعاً یکی از عوامل عمده و تأثیرگذاری که باعث ایجاد نظم و نثر گردیده، مخاطب است. به عبارت دیگر هر گاه فرستنده پیام بخواهد تنها از اندیشه مخاطب خود استفاده کند، یا تنها اندیشه مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد، و پیامی را به او منتقل نماید از نثر و زبان ساده گفتار استفاده می‌کند، و هنگامی که اراده نماید علاوه بر اندیشه، احساسات مخاطب را نیز به فعالیت و دارد از نثر مختل، مسجع و شعر استفاده می‌نماید.

در واقع شعر جولانگاه بهتری برای ارتباط و انتقال پیام بوده و هست؛ و مخاطب پیام را در قالب شعر بهتر می‌پسندد تا نثر. زیرا در شعر پیام با موسیقی کناری و میانی، خیال، تصویر، صنایع ادبی و... ارائه می‌شود و حسهای بیشتری از مخاطب را به خود مشغول می‌کند.

مخاطب علاوه بر تأثیرگذاری در موارد فوق یکی از عمده‌ترین عواملی است که باعث ایجاد قالبهای شعری نیز می‌گردد. مثلاً آن‌گاه که مخاطب، معشوق است «غزل»

عاشقانه و عارفانه و یا «دویتی» (غمانه = فراقی) را موجب می‌گردد. غزل، قالبی است که شاعر در آن با مخاطب خود راز و نیاز می‌کند، از درد فراق می‌نالند، «می‌خواهم» های عاشقانه خود را بیان می‌کند و درد دل می‌نماید اما به تفصیل؛ و اگر خواست کوتاه و موجز بگوید از دویتی استفاده می‌کند.

همچنین یکی از مهمترین عواملی که باعث ایجاد قالب «قطعه» و «رباعی» گردیده، مخاطب عام بوده است، یعنی آن‌گاه که شاعر بخواهد مخاطب خود را به تدبیر، تفکر و تأمل وادارد، به او پند و اندرز دهد، مسائل اخلاقی و چگمی را بیان دارد، از «قطعه» و «رباعی» استفاده می‌کند، و آن‌گاه که بخواهد به گونه‌ای «غیرمستقیم» این مسائل را طرح کند و برای عبرت یا سرگرمی و... مخاطب خود داستان‌سرایی نماید، حماسه بگوید، تاریخ را روایت کند، افسانه‌سرایی آغازد، قالب مثنوی را بر می‌گزیند.

و آن‌گاه که مخاطب از قشر اجتماعی بالاتری بوده و قرب و منزلت خاصی نزد شاعر داشته است، یا مخاطب «ویژه» بوده، یعنی شاعر خواسته مثلاً: خدای را ثنا گوید، پیامبر را بستاید. امامی را منقبت نماید، شاهی و امیری را مدح کند و... «قالب قصیده» را مناسب‌تر یافته است.

«سن مخاطب» نیز یکی از آن عواملی است که باعث ایجاد انواع شعر از جمله: شعر کودک، شعر نوجوان و جوان و عام (بزرگسال) گردیده است

از «جنس» نیز می‌توانیم به عنوان عاملی در ایجاد شعر نام ببریم، از جمله: «اخوانیات» و «غزل» ...

«محیط و طبقه اجتماعی» مخاطب نیز در فخامت شعر و انتخاب واژه و زبان آن اثر، قابل توجه است؛ مثلاً اگر مخاطب روستایی باشد، شعر محلی سروده می‌شود؛ و اگر مخاطب تحصیل کرده باشد، زبان شعر فخیم و عالمانه می‌گردد؛ هر گاه مخاطب شعر، مردم کوچه و بازار باشد زبان شعر نیز ساده‌تر می‌گردد و مفاهیم نیز در حد خواسته‌ها و نیازهای آنان ارائه خواهد شد و کاربرد اطلاع‌رسانی اجتماعی، سیاسی ظاهر می‌شود. نمونه بارز آن را در شعرهای دوره مشروطیت از جمله اشعار نسیم شمال می‌توان مشاهده کرد.

شعر می تواند دایره مخاطبان را نیز گسترش دهد و علاوه بر زمان حال، با آیندگان نیز ارتباط برقرار نماید. صنایع شعری نیز باید فلسفه وجودی خود را به گونه ای مدیون مخاطبین خود بدانند، چرا که سلیقه و پسند مخاطب، این صنایع را پدید آورده است. تصویرسازی، آوردن ماده تاریخ، توشیح، ایجاز، اطناب، ابهام، تضاد، تشبیه، استعاره، کنایه و... همه و همه در مرحله ایجاد، وام دار مخاطب یا مخاطبان خود هستند. به عنوان مثال آن گاه که شاعر، مخاطبش انسان فهیم و اندیشه‌وری است از صنعت «ایجاز» استفاده می کند، یا آن گاه که فکر می کند مخاطب، دیر فهم یا کج فهم است صنعت «اطناب» را به کار می برد و یا وقتی که مخاطب، معشوقی است، سخن را به درازا می کشاند. اگر شاعر بخواهد مخاطب را دچار تأمل و کنجکاو نماید، «ابهام» می آفریند، و هر گاه بخواهد در مخاطب خود لذت کشف ایجاد نماید، ابهام را خلق می کند. برای برانگیختن تعجب و به کارگیری خیال مخاطب از اغراق و غلو و مبالغه درست بهره می گیرد.

#### مخاطبان قصاید ابن حسام

ابن حسام به علت تربیت و تفکر دینی، اهل بیت را بسیار مدح گفته و بیشتر مخاطبان قصاید او خاندان عصمت و طهارتند. حدود نصف قصاید او به این خاندان اختصاص دارد. و از ۵۴۴۲ بیت قصیده شاعر تنها ۷۱۴ بیت در مدح افرادی غیر از خاندان پیامبر (ص) سروده شده است از جمله این مخاطبان، می توان به «پیر چنشت» اشاره کرد که دو قصیده و جمعاً ۵۱ بیت را به خود اختصاص داده است.

از جمله:

تو یار غاری و اصحاب غار یار تواند / تو پیش کار و جهان جمله پیشکار تواند

بر آستان تو اصحاب کهف متکف اند / به یاری تو در این غار، یار غار تواند

عجب مدار که اصحاب کهف مستورند / که با وجود کمال تو، شرمسار تواند

(دیوان، ۱، ۲۴۲)

همچنین در مدح سلطان بایستقر قصیده‌ای ۴۹ بیتی با مطلع: *و یومئذ یفعلنا*

هر خم زلفش مرا نوعی پریشانی دهد / خاطر سرگشته را سودا و حیرانی دهد

دارد تا آن‌جا که می‌گوید: *ان وفا نبله و حیدر و العبد لانا و یحیی و یسیر*

شاه عادل بایستقر کز علو و ارتفاع / ظلّه چتر ظلیش نور یزدانی دهد

*ان که انور منکره و منکره منکره و انور* (دیوان، ۲۶۹)

قصیده‌ای ۶۹ بیتی در مدح ملک الاعظم پادشاه سیف‌الدین با مطلع زیر دارد:

هزار شکر که دولت مطیع و بخت به کام / جهان به طوع مستخر، سپهر توسن رام

خداایگان جهان، پادشاه سیف‌الدین / که ملک و دولت و دین را قواعد است و قوام

*بذلک یستدل و یستدل و یستدل و یستدل* (دیوان، ۲۷۱)

در مدح مولانا محمد یساول قصیده‌ای ۳۲ بیتی با مطلع زیر آورده است:

دیشب که مه از کوه به صد جلوه تمامی / بنمود رخ از پرده چو ترکان ختایی

شمس الحق و الدوله محمد که توان دید / در صورت او سیرت الطاف خدایی

*و یومئذ یفعلنا* (دیوان، ۲۷۴)

آن‌گاه در مدح السلطان اعظم بابور بهادر ۴۳ بیت، در مدح امیرزاده امیر عبداللّه

برهان ۴ قصیده، و جمعاً ۱۱۵ بیت، در مدح و تاریخ ولادیت مخدوم‌زاده امیر جعفر بیک

۳ قصیده و جمعاً ۶۴ بیت می‌آورد، در مدح خواجه بوسعید ۳ قصیده جمعاً ۷۵ بیت در

مدح ابوسعید بهار یک قصیده ۵۶ بیتی، در مدح یوسف بهادر ۱۶ بیت، در ولادت

امیرزاده عبدالکریم ۲۶ بیت، مرثیه سیدقاسم انوار ۳۰ بیت و در رثای همسر خود ۷ بیت

دارد که چند بیت آن آورده می‌شود: *الانسان و مطاها*

برفت یارم و دل در قفای یار برفت / ز دیده خواب رمید و ز دل قرار برفت

عجب مدار که آشفته روزگار شدم / که مونس من آشفته روزگار برفت

ز خون دیده اگر دست من نگار گرفت / عجب مدار که از دست من نگار برفت

*و یومئذ یفعلنا* (دیوان، ۳۰۲)



اما گفته آمد که بیشترین مخاطب ابن حسام ذات باری تعالی و خاندان عصمت و طهارت بوده‌اند از جمله در مدح و ثنای خداوند رحمان ۳۰۱ بیت در ۶ قصیده دارد که اولین ابیات دو قصیده آن با مطلع زیر می‌باشد:

قصیده ۱:

ای به سزا لایق حمد و ثنا      ذات تو پاک از صفت ناسزا

قصیده ۲:

ای نام تو در هر دهنی رود زبانه‌ها      اندر حُجب از درک یقین تو گمانها

(دیوان، ۳)

در مناجات و دعا ۱۴۰ بیت دارد، از جمله در قصیده ۷ که حدود ۱۰۳ بیت می‌باشد،

با مطلع:

از ابتدای کار جهان تا به انتها      دیباچه‌ای نبود و نباشد به از دعا

آن‌گاه زبان به مدح پیامبر عظیم‌الشان اسلام می‌گشاید، و در ۵۰۶ بیت که حدود ۱۱ کل ابیات قصایدش می‌باشد. (جمع ابیات قصاید ۵۴۴۲ بیت است) او را می‌ستاید و مدح می‌کند، که چند بیتی از قصیده ۱۳ را ذکر می‌کنیم:

ای ترا بر مسند عزت شب قرب و وصال      منتهای سدره آذنی پایه قدر و کمال

گوشه نعل بُراق آسمان پیمای توست      حقله زربین که در گوش فلک دارد هلال

فرش را نعل شباهنگ تو کرده ماه روی      عرش از مسمار نعلین تو داده پایمال

(دیوان، ۲۷)

در قصیده‌ای دیگر می‌آورد:

حرفی که بر کتابت طاق زیر جرد است      نقشی که بر کرانه پیروز گنبد است

آن حرف بر صحیفه دل نقش کن که آن      نقش حروف نام شریف محمد است

(دیوان، ۵۰)

دیگر مخاطب جلیل‌القدر ابن حسام علی (علیه السلام) است، که ابن حسام در مدحش ۱۸۷۴ بیت - بیش از ۱۱ اشعارش - سروده است. و تنها در مدح اوست که

می‌سراید:

ای ز رفعت پای قدرت برتر از چرخ برین      ذات پاکت مقصد تنزیل رب العالمین  
 شهر بند شهر ایمان، باب شهرستان علم      داور دوران، امام حق امیرالمؤمنین  
 حیدر لشکر شکن سردار مردان وفا      صفدر عترت فکن، صفدار جیش المسلمین

(دیوان، ۱۱۸)

آن‌گاه خورشید کربلا، مخاطبی که تاریخ را شرم‌نده کرده است - امام حسین (ع) - ۱۳۵  
 بیت از قصاید ابن حسام را به خود اختصاص می‌دهد و مادر جلیل القدرش حضرت زهرا  
 ۴۶۶ بیت، یعنی حدود ۱۱٪ کل ابیات قصایدش را، کسیکه ابن حسام او را این‌گونه خطاب  
 می‌کند.

مقصد عالم تویی، زینت آدم تویی

عفت مریم تویی، آختر خیر الخیار<sup>۱</sup>

(دیوان، ۲۰۸)

ابن حسام شاید از نادر شاعران باشد که حمزه سیدالشهداء مدح کرده است - به هر  
 دلیل که جایز در این مقال نیست - شرح جان‌فشانی و دین‌بانی حمزه، کمتر در ادبیات  
 مطرح شده است، ولی ابن حسام ۸۶ بیت در مدح این همراه دیرین دین خداوند دارد:  
 دلم قستیل ره کشتگان راه خداست

که دیده دم به دم از موج سینه خون پالاست

چو حمزه کیست که روح الامیش استاد است

چو حمزه کیست که خضرش دلیل و راهنماست

شهید روز اُحد حمزه همایون قدر

که خون اوست که بر خاک دشت غالیه ساست

به مگر هند جگرخوار و غدر بوسفیان

کمین گرفته برو وحشی سیه سیماست

(دیوان، صص ۱۸-۲۱۴)

دیگر مخاطب قصاید ابن حسام، امام حسن (ع) می‌باشد و ابن حسام در مدح ایشان

۳۵ بیت با مطلع زیر دارد:



ایا صبا بگذر بر سر مزار حسن زهی شمیم تو چون خلق مشکبار حسن  
 (دبران، ۲۲۲)

سپس در مدح زین العابدین ۵۸ بیت، در مقتل و مرثیه اهل بیت ۷۳ بیت، و در مدح حضرت مهدی (عج) دو قصیده، جمعاً ۱۱۷ بیت، و در مدح امام رضا (ع) ۵۸ بیت می آورد. به هر حال بیشتر مخاطبان ابن حسام - در قصایدش - اهل بیت و خصوصاً حضرت علی علیه السلام بوده و آنهم نشأت گرفته از روحیه اعتقادی و تشیع اوست. و در واقع اگر ابن حسام به شاعر اهل البیت مشهور است، به علت ایمان وارداتی است که به خاندان عصمت و طهارت، دارد و اگر قصایدش از عمق خاصی برخوردار است، به خاطر زلالی و سرشاری دل مخاطبانش بوده است. و اگر ۱۸۷۴ بیت در مدح علی علیه السلام دارد، به خاطر احترام، شوریدگی و عشقی است که به ولایت امیر مؤمنان دارد و فضایی که این مخاطب خاص، دارد.

خلاصه این که شعر برآیندی است از شاعر و مخاطب و تأثیراتی که مخاطب بر شاعر می گذارد. و در این حالت مثلث شعر، شاعر و مخاطب شکل می گیرد.

در چند بیت از قصیده ۱۳ را در ذیل به شرح می آوریم:

گویی نعل لیراف آسمان هرگاه خورشید کجا در غروب  
 غرض زینست که از لیراف آسمان هرگاه خورشید کجا در غروب  
 در قصیده ای که در ذیل آن به شرح می آوریم:

حرفی که بر کتاب طاق ز سرحد است ایفیدم، نقشه که بر کف دستم کشیدم  
 آن حرفی که بر کف دستم کشیدم، نقشه که بر کف دستم کشیدم

۱۳۷ (نصفه ۱۳۷)

ناله ای که از کف دستم کشیدم، نقشه که بر کف دستم کشیدم  
 مدحش ۱۸۷۴ بیت - بیش از ۱۸۷۴ اشعارش - سروده است. و تمام اشعارش در ذیل آن است.